

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

رحیق ناب

گفته بودی ، بیا شراب خوریم
مست گردیده بیحساب خوریم
فرق از دست و پای شناسیم
کوزه کوزه به مثل آب خوریم
وعدۀ کهنه را ، وفا نکدی
وعدۀ نو مگر به خواب خوریم
نوجوانی چو برق می گذرد
فصل پیری به یاد شاب خوریم
یاد پغمان و قرغه و سالنگ
کرده شبهای ماهتاب خوریم
باغ بالا و چلستون و چمن
طبله و تار و بارباب خوریم
بایخ و یاپیاز و باکولا
جگری مرغکی ، کباب خوریم
یا که با شیوه های المانی
با کچالو ، به آب و تاب خوریم

گر بخواهی کسی خبر نشود
سر بازار ، بی حجاب خوریم
به همه گوی ، با صدای بلند
عرق خالص گلاب خوریم
آب پُر رنگ قرمز و شفاف
از رگ تاک ، با شتاب خوریم
گاهی با حور و گاهی با غلمان
شربت از کوثر و هاب خوریم
تا بدانیم ، قدر مستی را
ساغری از رقیق ناب خوریم
خواهش (ن) از (الف) اینست
وسکی و واین و بیر طاب خوریم
از کف گلرخ طلا مویی
عشوه و ناز و با عتاب خوریم
« نعمت » از راز شان شدی آگه
گفت ! هر آنچه است صواب خوریم